



درس خارج فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی حکم دائم الحدث

موضوع جزئی: کیفیت نماز خواندن مسلوس و مبطون

سال تحصیلی: ۱۴۰۰-۱۳۹۹

تاریخ: ۲۵ آبان ۱۳۹۹

مصادف با: ۲۹ ربیع الاول ۱۴۴۲

جلسه: ۳۰

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مسأله ۶۳۵: «ذكر بعضهم أنه لو أمكنهما إتيان الصلاة الاضطرارية و لو بأن يقتصر في كل ركعة على تسبيحة و يومئذ للركوع و السجود مثل صلاة الغريق، فالأحوط الجمع بينها و بين الكيفية السابقة و هذا و إن كان حسناً لكن وجوبه محل منع، بل تكفي الكيفية السابقة»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، بعضی از بزرگان [از جمله ابن ادریس حلی] گفته‌اند که اگر مسلوس و مبطون متمکن از خواندن نماز اضطراری باشند، هر چند که در هر رکعت به خواندن یک تسبیح اکتفا کنند و برای رکوع و سجود اشاره کنند، مثل نماز غریق، پس احتیاط [واجب] این است که بین نماز اضطراری و بین کیفیت سابق [که برای نماز مسلوس و مبطون بیان شد] جمع کنند و این؛ هر چند که نیکو است، لکن وجوبش محل منع است، بلکه همان کیفیت سابق [که برای نماز مسلوس و مبطون ذکر شد] کفایت می‌کند.

حکم مذکور در مسأله مورد بحث (مسأله ۶۳۵) به مرحوم ابن ادریس حلی نسبت داده شده است، با این بیان که ما نحن فیه دوران امر بین نماز اضطراری با طهارت و بین نماز اختیاری بدون طهارت است و لذا چون امر بین این دو کیفیت نماز دایر است و این دو متباین‌اند لذا احتیاط واجب این است که شخص بین این دو نماز جمع کند. لکن مرحوم سید (ره) فرموده است که هر چند که احتیاط، امری نیکو و پسندیده است، لکن احتیاط مذکور، واجب نیست.

مرحوم آیت الله خویی (ره) در توضیح مطلب مذکور، فرموده است که اگر ما بودیم و نماز مسلوس و مبطون و ادله نبود، به نماز اضطراری حکم می‌شد چون مسلوس و مبطون می‌توانند نماز خود را به صورت اضطراری و با طهارت بخوانند، هر چند در مقام عمل به انجام یک سری اجزاء اضطراری از نماز اکتفا می‌شود، کما اینکه درباره سایر مکلفین نیز اگر امر دایر شد بین اینکه طهارت را تحصیل کنند و نماز اضطراری بخوانند یا نماز را بدون طهارت بخوانند، حکم این است که شخص نمازش را به صورت اضطراری و با طهارت بخواند. پس اگر دلیلی بر خواندن نماز بدون طهارت از جانب مسلوس و مبطون نبود، به خواندن نماز اضطراری حکم می‌شد، لکن با وجود ادله‌ای که بر این دلالت دارند که مسلوس و مبطون نماز خود را بدون طهارت بخوانند، نمی‌توان به خواندن نماز اضطراری حکم کرد. پس امر دایر است بین اینکه مسلوس و مبطون نماز اضطراری بخوانند یا اینکه نماز شخص مختار را بخوانند بدون اینکه طهارت مأمور بها را تحصیل کنند که با توجه به اینکه طهارت، بدل ندارد، بر مثل قرائت، رکوع، سجود و سایر اجزاء نماز که بدل دارند، مقدم است لذا اگر دلیلی بر خواندن نماز مسلوس و مبطون بدون طهارت نبود، مسلوس و مبطون باید

۱. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۷۵.

نمازش را با طهارت و به صورت اضطراری و حذف بعضی از اجزاء نماز می‌خواند، بنابراین، اگر مسلوس و مبطون بود و ادله نبود به خواندن نماز اضطراری حکم می‌شد اما به مقتضای ادله باب مسلوس و مبطون به خواندن نماز بدون طهارت حکم می‌شود و شخص حق ندارد که نمازش را به صورت اضطراری بخواند چون اصلاً در روایات باب مسلوس و مبطون به نماز اضطراری اشاره‌ای نشده است، بلکه ظاهر روایات این است که مبطون و مسلوس به همان کیفیتی که سابقاً به آن اشاره شد، نماز می‌خواند و براءت ذمه پیدا می‌کنند و اصحاب و بزرگان [از قدیم و جدید] به همین کیفیت عمل کرده‌اند و وجهی برای احتیاط باقی نمی‌ماند، هرچند که احتیاط در هر حال نیکو و پسندیده است. مرحوم شیخ انصاری (ره) احتیاط مذکور را در کتاب صراط النجاة ذکر کرده است.^۱

بنابراین، سخن مرحوم ابن ادریس (ره) که فرموده است که شخص مسلوس و مبطون باید بین نماز اضطراری و نماز به کیفیتی که قبلاً به آن اشاره شد، جمع کند، وجهی ندارد.

مرحوم شیخ انصاری (ره) علی رقم آنچه از ایشان در کتاب صراط النجاة نقل شد، در کتاب طهارت به روایات تمسک کرده است و فرموده است که ظاهر اخبار در رابطه با مسلوس و مبطون این است که نماز متعارف بخواند و تنها مشکلی که دارد این است که چون مسلوس یا مبطون است و بول یا غائط از او خارج می‌شود، بیماری او موجب می‌شود که از حدیثی که از او سر می‌زند معفو باشد و شارع آن حدیث را ناقض طهارت حساب نمی‌کند بنابراین، نمی‌توان گفت که چون شخص، مسلوس یا مبطون است برای حفظ طهارت اجازه دارد که اکثر واجبات را ترک کند.^۲

نتیجه اینکه شخص مسلوس و مبطون نمازش را به همان کیفیتی که در روایات آمده است [که سابقاً به آن اشاره شد]، می‌خواند و وجهی برای جمع بین نماز اضطراری و نماز به کیفیت مسبوق نیست.

مسألة ۶۳۶: «من أفراد دائم الحدث المستحاضة و سیجیء حکمها»^۳.

مرحوم سید (ه) نوشته است که مستحاضه نیز از افراد دائم الحدث و در حکم دائم الحدث است [و احکامی که برای دائم الحدث ذکر شد در رابطه با مستحاضه نیز مطرح می‌شود] و حکم مستحاضه بعداً خواهد آمد.

مسألة ۶۳۷: «لا يجب علی المسلوس و المبطون بعد برئهما قضاء ما مضی من الصلوات. نعم، إذا كان فی الوقت وجبت الإعادة»^۴.

به نظر مرحوم سید (ره)، بر مسلوس و مبطون واجب نیست که بعد از خوب شدن، قضای نمازهایی را که خوانده است، به جای آورد. بلکه اگر خوب شدن در وقت باشد، واجب است که نمازی را که خوانده است اعاده کند.

مسألة مذکور، دو فرع دارد؛

فروع اول، این است که واجب نیست که مسلوس و مبطون بعد از اینکه خوب شد نمازهایی را که خوانده است، اعاده کند و دوباره بخواند.

۱. شیخ مرتضی انصاری، صراط النجاة، ص ۶۲، مسألة ۱۵۳.

۲. شیخ انصاری، کتاب الطهارة، ج ۲، ص ۴۲۳.

۳. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۷۵.

۴. همان.

دلیل عدم وجوب قضا در فرض مذکور، این است که اولاً، قضا تابع صدق عنوان فوت است، یعنی قضای نماز زمانی واجب است که نماز فوت شده باشد، مثلاً نماز صبح شخص قضا شده است که در این صورت باید قضای آن را به جا آورد، ولی در فرض مذکور، نمازی از شخص فوت نشده است، بلکه شخص مسلوس یا مبطون در وقت به وظیفه‌اش عمل کرده است و نمازش را خوانده است لذا قضا آن واجب نیست؛ ثانیاً، ظهور روایات باب مسلوس و مبطون نیز صحت و اجزاء نمازی که مسلوس و مبطون خوانده است را دلالت می‌کند، یعنی وقتی شارع برای مسلوس و مبطون وظیفه مشخصی را تعیین کرده است و او نیز بر طبق آن وظیفه عمل کرده است، معنایش این است که آن عملی که انجام داده است، مجزی است و شارع آن را پذیرفته است و لذا نیازی نیست تا دوباره آن را انجام بدهد، همان‌گونه که در رابطه با سایر ذوی الأعذار نیز مطلب از همین قرار است، سابقاً در روایت صحیح حریز به آن اشاره شد [عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا كَانَ الرَّجُلُ يَقْطُرُ مِنْهُ الْبَوْلُ وَالدَّمُ، إِذَا كَانَ حِينَ الصَّلَاةِ اتَّخَذَ كَيْسًا وَجَعَلَ فِيهِ قُطْنًا ثُمَّ عَلَّقَهُ عَلَيْهِ وَأَدْخَلَ ذِكْرَهُ فِيهِ ثُمَّ صَلَّى يَجْمَعُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ، يُؤَخِّرُ الظُّهْرَ وَيُعَجِّلُ الْعَصْرَ بِأَذَانٍ وَإِقَامَتَيْنِ وَيُؤَخِّرُ الْمَغْرِبَ وَيُعَجِّلُ الْعِشَاءَ بِأَذَانٍ وَإِقَامَتَيْنِ وَيَفْعَلُ ذَلِكَ فِي الصُّبْحِ»^۱].

فروع دوم، این است که اگر مسلوس و مبطون در وقت خوب شود، واجب است که نمازهایی را که خوانده است، اعاده کند و دوباره بخواند.

علت حکم مذکور در این فرض این است که مأموریه ظاهری از مأموریه واقعی کفایت نمی‌کند، زیرا وقتی مسلوس و مبطون خوب شد و هنوز وقت باقی است، متمکن از انجام مأموریه واقعی است لذا تکلیف ظاهری که انجام داده است از مأموریه واقعی مجزی نیست، در نتیجه باید نمازی که خوانده است را اعاده کند و دوباره بخواند.

«الحمد لله رب العالمين»

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب نواقض الوضوء، باب ۱۹، ص ۲۹۷، ح ۱.